

مقاومت

در برابر فتودالیسم دیجیتال

تأليف
ماریانا ماتزو کاتو

ماریانا ماتزو کاتو

ترجمه‌ی سینا باستانی



شتابناکی توسعه‌ی هوش مصنوعی اقتضا می‌کند که سیاست‌گذاران و جامعه‌ی مدنی الساعه دست به کار شوند تا اطمینان حاصل کنند که تکنولوژی همه‌منظوره‌ی بعدی به منفعت عمومی خدمت می‌کند. در غیر این صورت انحصارهای هم‌اکنون مسلط، به مدل‌های کسب‌وکار دیجیتالی که در دهه‌ی گذشته تکمیل کرده‌اند، قوتی بیش از حد می‌بخشند، مدل‌هایی که برای جامعه زیان‌آورند.

اجلاس این ماه مواجهه با هوش مصنوعی در پاریس در مقطع سرنوشت‌سازی در توسعه‌ی هوش مصنوعی برگزار خواهد شد. مسئله این نیست که آیا اروپا می‌تواند در زمینه‌ی مسابقه‌ی تسلیحاتی هوش مصنوعی با چین و ایالات متحده رقابت کند یا نه، بلکه این است که آیا اروپایی‌ها می‌توانند پیشگام رویکردی متفاوت باشند که ارزش عمومی را محور توسعه و حکمرانی تکنولوژیک قرار دهند یا نه. وظیفه‌ی این اجلاس فاصله‌گیری از فئودالیسم دیجیتال است، اصطلاحی که در سال ۲۰۱۹ درباره‌اش نوشتم تا مدل استخراج رانت در پلت‌فرم‌های دیجیتال مسلط را توصیف کنم.

هوش مصنوعی صرفاً بخشی دیگر نیست، بلکه تکنولوژی همه‌منظوره‌ای است که تمام بخش‌های اقتصاد را سروشکل خواهد داد. این بدان معنی است که این تکنولوژی می‌تواند ارزش هنگفتی ایجاد کند یا آسیب‌های جدی به بار آورد. گرچه بسیاری از مفسران طوری از هوش مصنوعی صحبت می‌کنند که گویی تکنولوژی بی‌طرفی است، این نگرش قدرت اقتصادی بنیادی آن را کوچک می‌شمارد. حتی اگر ساخت هوش مصنوعی رایگان باشد، لازم است از جایی قدرت بگیرد و به کار گرفته شود که این هم مستلزم دسترسی به دربان پلت‌فرم‌های رایانش ابری مانند خدمات وب‌آمازون، مایکروسافت آژور و گوگل کلود است.

این وابستگی^۱ هدایت توسعه‌ی این فناوری به سوی خیر مشترک را بیش از هر زمانی ضروری ساخته است. پرسش حقیقی این نیست که آیا هوش مصنوعی را ضابطه بخشیم یا نبخشیم، بلکه این است که چگونه بازارها را برای نوآوری هوش مصنوعی سروشکل دهیم. به‌جای ضابطه‌بخشی یا مالیات‌گیری پس از واقعه، باید قسمی بوم‌نظام نوآوری نامتمرکز بیافزینیم که به خیر عمومی خدمت کند.

تاریخ نوآوری‌های تکنولوژیک نشان می‌دهد که چه چیزی در معرض خطر است. چنانکه در کتابم، *دولت کارآفرین*، استدلال کردم، بسیاری از تکنولوژی‌هایی که هر روزه استفاده‌شان می‌کنیم در نتیجه‌ی سرمایه‌گذاری عمومی جمع‌ی روی می‌دهند. اگر نبود اینترنتی که تأمین مالی‌اش با اژانس پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی (دارپا) است، گوگل چه می‌بود؟ اگر جی‌پی‌اسی نبود که تأمین مالی‌اش با نیروی دریایی ایالات متحده است، اوپر چه می‌بود؟ اگر نبود تکنولوژی صفحه‌ی لمسی‌ای که تأمین مالی‌اش با سیا و سیری‌ای که تأمین مالی‌اش با دارپاست، اپل چه می‌بود؟ شرکت‌هایی که از این سرمایه‌گذاری‌های عمومی منتفع شده‌اند و در عین حال غالباً از پرداخت مالیات طفره می‌روند، اکنون از رانت‌های فاحش خود برای جذب استعدادها از همان نهادهای عمومی‌ای استفاده می‌کنند که موفقیت‌شان را ممکن کرده‌اند. بهترین تجلی این حیات انگلی «وزارت کارآمدی دولت» ایلان ماسک است، وزارتتی که مدافع حذف برنامه‌های تأمین مالی دولتی است که به تسلا امکان داد از ۴.۹ میلیارد دلار یارانه‌ی دولتی بهره‌مند شود.

ناتوانی دولت ضابطه‌بخشی به تکنولوژی‌های جدید در راستای منفعت عمومی را دشوارتر و دشوارتر کرده است. دولت هم‌اکنون به‌لطف دستمزدهای بالاتر بخش خصوصی و دهه‌ها برون‌سپاری به مشاوران خصوصی (آنچه من و رُزی کالینگتون شیادی بزرگ می‌خوانیم) از تخصص تهی شده است. وقتی بیشتر دانش فنی فقط در پنج شرکت خصوصی متمرکز شود، چه رخ می‌دهد؟ در حالی که پشت‌هی تکنولوژی هوش مصنوعی و سازوکارهای مختلف پولی‌سازی همچنان از تکامل دست برنمی‌دارند، به جای آنکه دست روی دست بگذاریم تا ببینیم چه رخ می‌دهد، باید هم‌اکنون دست‌به‌کار شویم و به‌نحوی پویا و انطباق‌پذیر به هوش مصنوعی ضابطه‌بخشیم.

در پروژه‌ی پژوهشی تازه‌ای در مؤسسه‌ی نوآوری و هدف عمومی دانشسرای دانشگاهی لندن (یوسی‌ال)، من و همکارانم به فنودالیسم دیجیتال و به لزوم تمایز میان خلق ارزش و استخراج ارزش در هوش مصنوعی نگاهی دوباره کردیم، چیزی که آن را «رانت الگوریتمی» می‌نامیم. نشان داده‌ایم پلت‌فرم‌هایی نظیر فیس‌بوک و گوگل به‌انحایی تکامل یافته‌اند که تمرکزشان بر «رانت‌های توجه» باشد. وقتی تجربه‌ی

کاربران دست‌کاری می‌شود تا سود به حداکثر برسد، فیدهای آنها پر می‌شود از تبلیغات و محتوای اعتیادآور «پیشنهادی» در فرآیندی که کوری دکتروف، روزنامه‌نگار کانادایی، برای آن صفت هیجان‌انگیز «به‌گه‌کشی» را به کار می‌برد. مرور طوماری (اسکرول) بی‌پایان، یادآورهای (نوتیفیکیشن‌ها) بی‌وقفه و الگوریتم‌هایی که برای حداکثر کردن «درگیری» از طریق نمایش محتوای مضر و فعالیت‌هایی که در مرز قانونی و غیرقانونی قرار دارند، همگی به هنجار تبدیل شده‌اند.

نظام‌های هوش مصنوعی نیز می‌توانند همین مسیر استخراجی را دنبال کنند و این رفتار رانت‌جویانه را قوتی بیش از حد بخشند، مثلاً با پولی کردن دسترسی به اطلاعات ضروری، حفظ حریم خصوصی داده‌ها، ایمنی آنلاین، خلاصی از تبلیغات یا حتی آوردن کسب‌وکارهای کوچک در فهرست جست‌وجوی جهانی اطلاعات در شکل ابتدایی آن. چون به‌تازگی پلت‌فرم‌ها الگوریتم‌ها و سازوکارهای تخصیص توجه خود (منابع «رانت‌های الگوریتمی توجه») را پنهان می‌کنند، کلید ضابطه‌بخشی به این بخش، مشابه ماجرای تغییرات اقلیمی، این است که دربان‌های دیجیتال را مجبور کنیم طرز استفاده از الگوریتم‌های خود را افشا کنند. سپس این اطلاعات باید در استانداردهای گزارش‌دهی همه‌ی پلت‌فرم‌های دیجیتال گنجانده شوند.

به همین قیاس توسعه‌دهندگان هوش مصنوعی مانند اپن‌ای‌آی و آنتروپیک نیز سوای کارهای دیگر این امور را پنهان می‌کنند: منابع داده‌های تعلیم هوش مصنوعی خود؛ حفاظ‌هایی که بر مدل‌های خود گذاشته‌اند؛ نحوه‌ی اجرای شرایط خدمت‌رسانی؛ عواقب زیان‌بار محصولاتشان (نظیر استفاده‌ی اعتیادآور و دسترسی زیر سن قانونی)؛ میزان استفاده از پلت‌فرم‌هایشان برای پول درآوردن از توجه کاربران سراسر جهان‌شان به تبلیغات هدفمند. دیگر اینکه تأثیرات زیست‌محیطی چشمگیر و روبه‌رشد هوش مصنوعی نیز لایه‌ای دیگر بر فوریت پرداختن به این چالش می‌افزاید. سهم شرکت‌های بزرگ هوش مصنوعی از انتشار گازهای گلخانه‌ای به‌حدی افزایش یافته که آژانس بین‌المللی انرژی هشدار داده است که در سطح جهان «مصرف برق مراکز داده، هوش مصنوعی و بخش رمزارز تا سال ۲۰۲۶ دو برابر خواهد شد».

خوشبختانه تحولات اخیر نشان می‌دهند مسیرهای بدیل هم ممکن‌اند. شرکت هوش مصنوعی چینی دیپ‌سیک، که در اواخر ژانویه باعث افت مختصر سهام شرکت‌های تکنولوژی ایالات متحد شد، ظاهراً نشان داده که می‌توان به عملکرد مشابهی دست یافت و قدرت رایانش و مصرف انرژی بسیار کم‌تری داشت. آیا رویکردهای کارآمدتر در توسعه‌ی هوش مصنوعی می‌توانند در شکستن موانعی که شرکت‌های بزرگ رایانش ابری از طریق کنترل‌شان بر منابع عظیم رایانش برپا کرده‌اند، یاری کنند؟

اگرچه هنوز زود است بگوییم که دستاورد دیپ‌سیک به بازسازی بازار منتهی خواهد شد یا نه، اما به یادمان می‌آورد که نوآوری نرم‌افزاری برای پرداختن به تأثیر زیست‌محیطی هوش مصنوعی هم شدنی است و هم ضروری.

بنا به استدلال گابریئلا راموس از یونسکو و من، هوش مصنوعی می‌تواند در بسیاری از جنبه‌ها زندگی ما را ارتقا دهد، از بهبود تولید غذا گرفته تا تقویت مقاومت در برابر بلایای طبیعی. رهبران اروپایی از ماریو دراگی تا آرسولا فون در لاین و کریستین لاگارد هوش مصنوعی را برای احیای توان تولید اروپا حیاتی می‌دانند. اما اگر به ماهیت فئودالیسم دیجیتال، رفتارهای استخراجی مدل‌های هوش مصنوعی و کمبود توان ضابطه‌بخشی در بخش عمومی توجه نکنند، هرگونه تلاش برای رشد استوار و پایدار در برخورد با صخره‌ی نابرابری‌های تازه و عمیق‌تر درهم می‌شکند. یکی از مسیرهای ممکن «یورواستاک» است، قسمی زیرساخت دیجیتال مستقل که رایانش ابری، تراشه‌های پیشرفته، هوش مصنوعی و داده را دربرمی‌گیرد که همگی به‌صورت عمومی اداره می‌شوند نه از طریق شرکت‌های انحصاری.

این مسئله نه به انتخاب میان نوآوری و ضابطه‌بخشی ربط دارد، نه به مدیریت بالابله‌پایین توسعه‌ی فناوری، بلکه مربوط است به خلق محرک‌ها و شرایطی که بازارها را به سمت ارائه برآمدهایی سوق دهند که ما مردم جامعه می‌خواهیم. باید هوش مصنوعی را بازپس بگیریم تا به جای تبدیل شدن به یکی دیگر از ماشین‌های استخراج رانت ارزش عمومی تولید کند. اجلاس پاریس فرصتی است برای به نمایش گذاشتن این بینش بدیل.

پیوند با متن اصلی:

<https://www.project-syndicate.org/commentary/ai-digital-feudalism-inevitable-unless-policymakers-step-in-to-shape-markets-by-mariana-mazzucato-2025-02>